

آشپزهای ماهر در یوسف آباد



■ خمینی‌ها
■ ساخت حسینییه و مسجد و ایجاد
گعده‌های مذهبی

اهالی خمین از ابتدای دهه ۲۰ به قصد زندگی و راه‌اندازی کسب‌وکارهای پر رونق وارد تهران و ساکن یوسف‌آباد شدند. فتح‌الله مختاری، یکی از نخستین مهاجران خمین که در یوسف‌آباد ساکن شده می‌گوید: «وقتی نخستین گروه اهالی خمین به یوسف‌آباد آمدند این منطقه مملو از قنات‌های پر آب بود و همین موجب شد آنها یکی پس از دیگری به تهران بیایند، چون شغل اصلی آنها در خمین کشاورزی بود. از طرفی آنها آشپزهای ماهری بودند و مدتی بعد از سکونت در یوسف‌آباد رستوران ۴فصل را در خیابان اسدابادی امروزی راه انداختند و با انواع غذاهای اصیل و خوشمزه از مشتری‌های تهرانی پذیرایی می‌کردند. آنها بعدها رستوران حاتم را هم در خیابان مستوفی راه انداختند که باغ رستوران و یکی از تفرجگاه‌های اهالی یوسف‌آباد در دهه ۳۰ بود. در آن سال‌ها از بین اهالی یوسف‌آباد کمتر کسی را می‌توان سراغ داشت که دستپخت آشپزهای خمینی را نجشیده باشد.»

معماران خانه‌های دوطبقه‌ونیمی



■ فراهانی‌ها
■ مشارکت در ساخت‌وساز

در دوره پهلوی اول که استارت توسعه پایتخت زده شد، مهاجران زیادی برای مشارکت در ساخت و سازها و ایجاد کسب‌وکارهای تازه به تهران کوچ کردند. ساخت خانه‌های طبقه‌دار از همان دوره تاریخی در تهران رواج پیدا کرد و مهاجرانی که از شهر فراهان به تهران آمده بودند در طراحی و ساخت چنین بناهایی تبحر داشتند. علیرضا زمانی، تهران‌پژوه، معتقد است بخش قابل ملاحظه‌ای از خانه‌های تهران در دوره پهلوی اول توسط معماران و بناهای خبره فراهانی ساخته شد و نقش آنها در توسعه پایتخت رانمی‌توان نادیده گرفت: «فراهانی‌ها در دهه‌های ۲۰ و ۳۰ به تهران مهاجرت کردند و در محدوده جنوب امیریه و اطراف میدان راه‌آهن ساکن شدند. آنها معماران و بناهای ماهری بودند و با اصول ساخت‌وساز و خانه‌سازی آشنایی داشتند.»



رونق دهندگان بازار پارچه و قالیچه

توسط کرمانی‌ها به پایتخت می‌آمد و در بازار تهران به فروش می‌رسید. میرزا رضا کرمانی، شخصی که نقشه ترور ناصرالدین شاه را کشید و اجرا کرد نیز یک تاجر کرمانی بود. «حدادی ادامه می‌دهد: «با ورود هر بزرگ قومی به شهر تهران، اطرافیان او نیز به پایتخت مهاجرت می‌کردند و این خانواده‌ها کم‌کم زیاد می‌شدند و اکثراً پیشه و حرفه بزرگ قوم را ادامه می‌دادند. در محدوده میدان فردوسی موزه استاد صنعتی که اصالتاً کرمانی است وجود دارد که از بزرگان هنر ایران است. علی‌اکبر صنعتی که در مدرسه کمال‌الملک درس خواند بیش از ۶هزار تابلو و هزار پیکره سنگی، برنزی و گچی دارد. با حضور این هنرمند کرمانی تعداد زیادی از شاگردان استاد، با مهاجرت به پایتخت و تربیت هنرمندان تأثیر قابل توجهی در رشد این هنر به جا گذاشتند.»

مظفرالدین شاه همراه ناظم‌الاسلام به تهران مهاجرت کردند. بعد از ورود کرمانی‌ها سبک خاصی در بافت قالی تهران به وجود آمد که تحت تأثیر قالی کرمانی بود. اصل گر‌ها کرمانی و رنگ و لعاب آن به سبک اروپایی با رنگ‌های ملایم بود. کرمانی‌ها در تجارت قالی نقش بسزایی داشتند، اما در دوره پهلوی اول در حوزه علمیه نیز جذب شدند. ناظم‌الاسلام کرمانی بعد از مهاجرت به تهران و ماندن در مدرسه اسلام که یکی از نخستین مدارس ملی تهران بود، یک دوره آموزش‌های فنی در مدرسه پایه‌گذاری کرد که کارگاه قالی‌بافی یکی از این آموزش‌ها بود.»

نصرالله حدادی می‌گوید: «هر آنچه بافتنی بود از قالی‌بافی، جاجیم‌بافی، شعربافی، شالبافی، خورجین‌بافی، گلیم‌بافی، ترمه‌دوزی و پتینه‌دوزی

■ کرمانی‌ها

■ کرمانی‌ها در قالی‌بافی تهران سبک خود را جا انداختند و به عنوان تاجران انواع بافتنی‌ها از جاجیم تا گلیم شناخته شدند

در زمان ناصرالدین شاه تجار کرمانی به تهران و به خصوص دربار رفت‌وآمد داشتند. در بازار تهران نیز حجره‌دار بودند. انواع طاقه‌های پارچه توسط کرمانی‌ها به تهران وارد می‌شد و در اختیار خرده‌فروشان قرار می‌گرفت. چنین بود که نام کرمانی‌ها با تجارت قالی و قالیچه‌گره خورد تا در پایتخت بسا این عنوان از آنها یاد شود. مهرشاد کاظمی می‌گوید: «ورود کرمانی‌ها به پایتخت در دوره‌های مختلف تاریخی صورت گرفته است. بسیاری از هنرمندان کرمانی در دوره

بازار سیداسماعیل پاتوق چاقوسازان زنجانی



■ زنجان‌ها و دیگر ترک‌زبانان اطراف تهران
■ راه انداختن بازار چاقوسازها و فعالیت در کارخانه‌ها

نخستین ردپای اقوام ترک‌زبانان در تهران دیده می‌شود. به مرور بعد از ماجرای پایتخت شدن، برخی از ساکنان شهرهای ترک‌زبان اطراف تهران از جمله برخی ساکنان زنجان به تهران آمدند. آنها در بازار سیداسماعیل، راسته بازاری را به اسم بازار چاقوسازها به راه انداختند و در همین حوالی هم ساکن شدند. در دوره‌های مختلف هم تعداد این افراد به‌ویژه در زمان پهلوی که تهران به یک مرکز صنعتی تبدیل می‌شد، افزایش چشمگیری داشت. اغلب آنها در کارخانه‌هایی که در اطراف سه‌راه آذری راه‌اندازی شده بود مشغول به کار شدند و محله سه‌راه آذری به نوعی به محل تجمع این اهالی مبدل شد. داریوش شهبازی درباره حضور اقوام ترک می‌گوید: «ردپای اقوام ترک در دوره سلجوقیان، پس از آن خوارزمشاهیان و تیموریان، فرقه‌یونلوها و آق‌قویونلوها، صفویان (صفویان ترک نبودند بلکه به ترکی سخن می‌گفتند)، افشاریان، قاجاریان و... هم دیده می‌شود، اما پس از پایتخت شدن تهران، اگر نخستین نقشه تهران را بررسی کنیم، می‌بینیم در محله سنگلج و عودلاجان کوچه‌هایی به نام افشار مشخص شده که اینها همه نشانه‌هایی برای حضور اقوام ترک‌زبان در تهران دوره افشار هستند. علاوه بر این، در همین نقشه، نشانه‌های دیگری مثل کوچه خدابنده‌لو را در محله عودلاجان، مجاور ارگ، می‌بینیم که مربوط به طایفه شاهسون (جزو طوایف ترک) است. همچنین محله‌ای در دهمین تکه از پایتخت به نام زنجان‌ها نامیده شده و آنها در این محله‌ها حضور پررنگی دارند.»



نخستین مهاجران شمشیر به دست پایتخت

■ ترکمن‌ها

■ آنها از روز پایتختی تهران سربازان قشون شاهنشاهی شدند

آقامحمدخان وقتی برای سلطنت راهی تهران می‌شود، تعدادی از قوم و خویش خود را که اهل ترکمن صحرا بودند، برای ایجاد قشون و محافظت از دربار همراه خود می‌آورد. روزی که او تهران را پایتخت کرد این شهر ۱۵ هزار نفر جمعیت داشت ولی با پایتخت شدن، اقبال به این شهر روی آورد. نصرالله حدادی، تهران‌پژوه، درباره ورود قوم ترکمن برای نخستین بار به تهران می‌گوید: «اینها نخستین قوم و افرادی هستند که به همراه پادشاه قجری به تهران آمدند. تهران در آن زمان بسیار کوچک و در مجموع ۷ کیلومتر وسعت داشت. با این حال او برای برقراری امنیت و دفاع از نوامیس به کسانی اطمینان می‌کرد که از خویش و قوم خودش بودند.» به گفته حدادی این قوم چون در مبارزه، جسور و نامدار بودند، قشون و نظام دربار به آنها سپرده شد. همچنین به خاطر دسترسی سریع به کاخ، در حوالی آن و محله‌های اطراف مانند زنبورک‌خانه و ارگ ساکن شدند. البته در دوره شاهان بعدی، از سایر اقوام هم وارد قشون شدند و همین موضوع باعث از هم پاشیدگی و شکست نظامیان دربار در برخی از جنگ‌ها به شمار می‌رود.